

اردشیرخوره: تختگاه اردشیرپاکان

دکتر رضامهر آفرین*، سرور زرشادی** و عباس جامه‌بزرگ***

* دانشیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه مازندران
 ** دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس
 *** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

چکیده

اردشیر پاکان، بنیانگذار سلسله ساسانی به شهرسازی اهمیت فراوانی می‌داد. وی مبادرت به ساخت تعداد زیادی شهر نمود که اکثر مورخین و جغرافیانگاران سده‌های نخست اسلامی به آنها اشاره کرده‌اند. بزرگترین و مهم‌ترین شهر اردشیر، شهرگور یا اردشیر خوره نام داشت که در نزدیکی فیروزآباد فارس قرار دارد. این شهر که در واقع پایتخت اردشیر محسوب می‌گردید همانند برخی از شهرهای پارتی دارای طرحی مدور بود. در میانه شهر برجی رفیع مشهور به طربال قرار داشت که مظهر الهه آب، آناهیتا بود و در مجاورت آن کاخی عظیم ساخته بودند. علاوه بر توصیف جغرافیانگاران اسلامی از بناهای مهم شهر، در سده‌های اخیر نیز باستان‌شناسان با کاوش‌هایی که در آن انجام داده‌اند، اطلاعات مفیدی از تأسیسات و چگونگی آن بدست آورده‌اند. این شهر پس از پیروزی اردشیر بر اردوان پنجم ساخته شد و متعاقب آن کاخی باشکوه به نام کاخ اردشیر در نزدیکی شهر و در محلی خوش آب و هوا بنا گردید تا در خور شأن و شوکت شاهی چون اردشیر در پایان روزهای زندگی و کناره‌گیری از سلطنت باشد. اردشیر قبل از پیروزی بر اردوان، بر قلعه رفیعی در تنگاب که دسترسی به آن بسیار دشوار بود، دژی مستحکم و استوار بنا نمود تا ضمن به چالش کشیدن شاه اشکانی و اعلام استقلال سیاسی، ارتش کوچک خود را در مقابل تهاجمات اردوان حفظ و نقشه آزادسازی ایران را در آنجا پی‌ریزی نماید و به استحکام پایه‌های قدرت و انسجام نیروهای نظامی خود بپردازد.

واژگان کلیدی: سلسله ساسانی، اردشیر پاکان، شهرسازی، اردشیرخوره، قلعه دختر فیروز آباد، طربال.

درآمد

سلسله بازرنگی افتاد. این شخص گویا از سلاله گوجهر است که در قرن اول میلادی برادر خود ارتخشتر را به قتل رساند (کریستین سن، ۱۳۷۴: ۵۸). ساسان، نجیب‌زاده‌ای از یک خانواده اصیل ایرانی، رئیس موبدان معبد آناهید در شهر استخر بود. پس آنگاه وی از طریق ازدواج با دختری به نام دینگک از تبار گوجهر با دربار سلطنتی پیوند یافت. پس از مرگ ساسان، پسرش پاپک سمت ریاست موبدان را بر عهده گرفت. پاپک

شورش و اختلافی که در آغاز قرن سوم میلادی در ایالت پارس بروز کرد، حکایت از انحطاط آرام قدرت اشکانیان داشت. ظاهراً در آن عهد، هر شهری که تا اندازه‌ای قابل اعتنا و مستقل بود، امیر مخصوص به خود را داشت. یکی از مهم‌ترین عمارات پارس، شهر استخر بود که پایتخت باستانی پادشاهان این دیار به شمار می‌رفت. در این تاریخ، شهر استخر به دست گوجهر از

شکست داد و به تصرفاتش ادامه داد (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۹۸). پس از آن منطقه ارجان را تسخیر کرد و بدین ترتیب کم و بیش استان فارس را کاملاً در دست گرفت. سرانجام وی چنان خود را قدرتمند دید که پیکی برای اردوان فرستاد و از او خواست تا محل جنگ سرنوشت ساز و نهایی را تعیین کند. اردوان دشت هرمزگان را پیشنهاد کرد. جنگ در تاریخ ۲۲۴ میلادی اتفاق افتاد. اشکانیان در این جنگ مغلوب شدند و اردوان جان خود را از دست داد. نقش برجسته بزرگی که در انتهای دره تنگاب و با فاصله کمی از فیروزآباد بر سینه کوه نقر گردیده، این پیروزی را در شکل مبارزه‌ای بین اردشیر و اردوان و نیز دو مبارز دیگر به نمایش گذاشته است. اردشیر توانست پس از سه نبرد متوالی اردوان را شکست دهد و شاهنشاهی ساسانی را بنیان نهد. از آن زمان اردشیر عنوان «شاهنشاه» به معنای «شاه شاهان» را گرفت و شروع به تسخیر سرزمینی کرد که خود به آن ایران می‌گفت (کریستین سن، ۱۳۷۴: ۱۱).

اهمیت شهرسازی در حکومت اردشیر پاپکان

ساسانیان بر خلاف شاهنشاهی اشکانی که به صورت ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد، نیرویی پرقدرت و مرکزی را بنیانگذاری کردند و به این ترتیب توانستند یک حکومت اشرافی و سرکش را کنترل کنند و با تنظیم یک برنامه و سازمان اداری کارآمد در امر آبیاری و شهرسازی، معماری و صنعت و حتی شکست امپراتوری روم، اهمیت سیاسی حکومت خود را در غرب و شرق گسترش دهند (پرادا، ۱۳۵۵: ۲۷۷). ساسانیان حکومتی ملی تأسیس کردند که متکی به دین ملی و تمدنی بود که شاید از جنبه ایرانیت در سرتاسر تاریخ دراز مدت ایران نظیر نداشته است (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۳۴۵). آثار و بقایای شهرهای ویران و بزرگ این دوران و وسعت و پراکندگی نقوش برجسته در کنار جاده‌های ارتباطی، کاروان‌سراها و پل‌های به جا مانده و نیز سایر صنایع، نشانه تمرکز قدرت و ثبات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی این سلسله در جامعه آن روزگار ایرانی است.

در تاریخ کشورهای جهان، فرمانروایان هیچ کشوری به اندازه ساسانیان به ساخت ابنیه و شهرسازی دلبستگی نداشتند. چنانکه از هر یک از شاهان این سلسله یک یا چند شهر به

موبد آتشکده آناهیتا در شهر استخر بود و توانست جنگجویان محلی پارس را که به این ایزد باستانی اعتقاد داشتند گرد هم آورد.

پاپک پسران زیادی داشت که دو نفر از آنها به نام‌های اردشیر و شاپور اندکی بعد در تاریخ ساسانیان ایفاگر نقش اصلی این سلسله گردیدند. اردشیر در سن هفت سالگی بنا به درخواست پدرش و توصیه شاه استخر به فردی به نام تیری ارگبد دارابگرد (جنوب شیراز که امروز داراب شهر اصلی آن است)، برای تربیت سپرده شد. اردشیر پس از مرگ پدر خوانده‌اش جانشین او گردید و با تسلط بر حکمرانان کوچک همسایه، نفوذش را گسترش داد. سپس پاپک نیز در موقعیتی بر گوچهر، شاه استخر شورید و پس از کشتن وی، حکومت منطقه را در دست گرفت (شییمان، ۱۳۸۳: ۲۴).

پاپک در نامه‌ای به اردوان پنجم، پادشاه اشکانی، تقاضای تاج و تخت قلمرو کوچک استخر را برای پسر دیگرش شاپور کرد. ولی اردوان تقاضای او را نپذیرفت و پاپک و اردشیر را به شورش متهم ساخت. پاپک اندکی پیش از مرگ، شاپور پسر ارشد خود را شاه خواند. این امر را می‌توان از کتیبه‌ی شاپور اول بر کعبه زرتشت دریافت که می‌گوید: «شاپور شاه، پسر پاپک». اردشیر، که اینک امیر کوچک داراب بود، در برابر برادرش شاپور سر تعظیم فرود نیاورد. از این رو شاپور علیه او لشکری آراست که به نحوی مبهم در این میان کشته شد و راه برای اردشیر باز گردید و او در استخر به عنوان شاه تاجگذاری کرد. اردشیر پس از تاج‌گذاری در استخر مجبور گردید شورش را که در دارابگرد آغاز شده بود، سرکوب کند. سرانجام او لشکرکشی به مناطق دوردست را آغاز کرد. طبق گزارش طبری، وی در سال ۲۱۲-۲۱۱ میلادی علیه شاه کرمان وارد جنگ گردید و حاکم آنجا را که وکخش نام داشت دستگیر، و شخصی به نام اردشیر را به عنوان حاکم آنجا تعیین کرد. پس از آن، منطقه اردشیر خوره را تصرف کرد و در آن جا شهری به نام خویش به عنوان پایتخت جدید بنیان‌گذاری نمود که این امر سبب خشم شاهنشاه اشکانی گردید. متعاقب این امر، اردوان نامه‌ای به اردشیر نوشت و در آن او را یاغی خواند. اردوان حاکم اهواز را با سپاهی به جنگ اردشیر فرستاد. اردشیر این سپاه را

که اردشیر بنیاد نهاد، اشاره کرده‌اند. نکته قابل ذکر در این میان تفاوت شمار شهرها و نام آنهاست که در منابع این نویسندگان به چشم می‌خورد. اما وجه مشترک همه آنها ذکر فراوان شهرهایی است که به دست اردشیر ساخته شد. طبری شمار و نام شهرهایی را که اردشیر بنیاد نهاد، چنین ذکر کرده است: «اردشیر هشت شهر بنا کرد که از آن جمله‌اند: شهر اردشیر خوره (گور)، رام اردشیر، ریو اردشیر در فارس، هرمز اردشیر که همان سوق‌الاهواز در اهواز باشد، به اردشیر در غرب مداین (سلوکیه و تیسفون)، استاباد اردشیر که همان کرخ میشان باشد در سواد عراق کنونی، فسا اردشیر که همان شهر خط باشد در بحرین و بوذ اردشیر یا خره در نزدیکی موصل» (طبری، ۱۳۶۲: ۵۸۴). دینوری در اخبارالطوال ساخت شش شهر بزرگ را به اردشیر نسبت می‌دهد: «اردشیر خوره در خاک پارس، شهر رام اردشیر و هرمزدان اردشیر که بزرگترین شهر اهواز بود، شهر اشناد اردشیر (کرخ میشان) و شهر فوران اردشیر در بحرین و شهر دیگری در استان موصل که (خُرزاد اردشیر) نام داشت، بنا نهاد» (دینوری، ۱۳۴۶: ۴۹). بر طبق نوشته‌های حمزه اصفهانی اردشیر این شهرها را ساخته است: «اردشیر خوره، به اردشیر، بهمن اردشیر، انشا اردشیر، رام اردشیر، رامهرمز اردشیر، هرمز اردشیر، بود اردشیر، وهشت اردشیر و بتن اردشیر» (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۴). گردیزی در باره شهرهای ساخته شده به دست اردشیر می‌نویسد: «او شهری را بنا کرد، و خوره اردشیر، که او را واسط گویند، و استاد اردشیر که او را انبار گویند، و رام اردشیر که او را بصره گویند، این شهرها را او بنا کرد» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۶۵)، و در جای دیگر می‌نویسد: «شهرها بنا افکند چون تستر در خوزستان، هرمز اردشیر، اردشیر خوره و رام اردشیر و اسدآباد و پوشنگ و بادغیس» (گردیزی، ۱۳۶۳: ۶۶).

چنانکه مشاهده می‌شود بیشتر شهرهایی که در زمان اردشیر ساخته شده، از دو جزء تشکیل گردیده‌اند که شامل نام اردشیر همراه با نام ایزد و یا واژه‌ای مقدس و مهم بود. در واقع این امر نشان‌دهنده اهمیت به سزایی است که اردشیر برای شهرسازی در زمان حکومت خود قائل بود. از جمله شهرهایی که توسط اردشیر بنا گردید «به اردشیر» بوده، که نام دو شهر یکی در کرمان و دیگری با همین اسم در عراق است و یکی از هفت

یادگار مانده است. ناگفته نماند که آبادانی و ساخت شهرها هزینه‌ها گزافی را بر حکومت تحمیل می‌کرد که بخشی از این هزینه‌ها از طریق غنائم جنگی تأمین می‌گردید. علاوه بر این شرایط مطلوب اقتصادی، تجاری و نظامی در ایجاد شهرها تأثیر به سزایی در زمان ساسانیان داشته است.

تحکیم موقعیت دولت ساسانی در روزگار شاهی اردشیر اول خود عامل مهمی در احداث و گسترش شهرها بوده است. در این زمان برخی از شهرها با اندیشه توسعه اقتصادی، فرهنگی، مذهبی و برخی دیگر از دیدگاه نظامی و سوق‌الجیشی موجودیت یافته و یا بازسازی و احیا گردیدند. حکومت ساسانی بر دو محور دین رسمی و دولت مرکزی ایجاد و کیش زرتشت مذهب رسمی کشور گردید. بی‌گمان در فلسفه و آیین زرتشت انسان در روند پیشرفت و سازندگی جهان جایگاه خاص و پر اهمیتی را داراست. عامل آیین و مذهب گذشته از سهم موثری که در پایه‌گذاری و تکوین شهرها در این دوره داشت، در طراحی بناها و شبکه‌بندی و چگونگی بافت آنها نیز نقش تعیین کننده داشته است. حضور آیین و باورهای جامعه در شکل‌گیری شهرهای باستانی به دو گونه است: نخست تأکید بر نیایشگاه‌های شهری و سپردن موقعیت برتر بدان؛ که در نتیجه دیگر واحدهای معماری شهر و شبکه‌بندی‌ها، خود را با آن مرکز اصلی وفق داده‌اند. شهر فیروزآباد را که مناری در مرکز آن برپا شده می‌توان از این گروه به‌شمار آورد. دوم تأثیر سمبل‌های مذهبی و باورهای جامعه در طرح و شبکه‌بندی شهر مانند توجه به افلاک و ستارگان و جهت برآمدن خورشید و مانند آن از عناصر متأثر در این فرآیند به‌شمار می‌روند؛ چنانکه وجود دروازه‌های چهارگانه را در شهرهایی چون دارابگرد و اردشیر خوره (در شرق دروازه مهر، در غرب بهرام، در شمال هرمزد و در جنوب اردشیر) از این باور و اندیشه می‌دانند (ورجاوند، ۱۳۶۶: ۵).

شهرهایی که اردشیر پایکان بنیاد نهاد

اردشیر پایکان، مؤسس سلسله ساسانی، خود بانی شهرهای بسیاری است، چنانکه در کارنامه وی شهرسازی از مقام الایی برخوردار است (فره‌وشی، ۱۳۹۰: ۴۵-۵۵). بسیاری از جغرافیانگاران و مورخین سده‌های نخست اسلامی به شهرهایی

شهر گور را در کوره اردشیر خوره صادر نمود. با پایان یافتن شورش‌های احتمالی در نواحی مختلف و تصرف کامل ایران زمین از دست حکومت پارت و سرانجام برقراری آرامش و امنیت نسبی و استقرار کامل در شهر گور، زمان آن فرا رسیده بود که اردشیر فرمان ساخت کاخی را در نزدیکی این شهر صادر نماید که اوج توانمندی، شکوه و اقتدار وی را در آن عصر به نمایش بگذارد. کاخ فیروزآباد با یک موقعیت طبیعی مناسب، مصالح مستحکم، نقشه زیبا و عظمت خاص خود می‌توانست به اهداف جاه‌طلبانه اردشیر در این زمینه پاسخ مثبت دهد.

قلعه دختر

اردشیر پس از فتح مرکز فارس، اقامت‌گاه تازه خود موسوم به اردشیر خوره را ترک کرد تا به امیران جنوب ایران حمله کند و آنها را شکست دهد. از آن پس، پادشاه پارتی، اردوان پنجم، چندین لشکر کوچک را علیه نیروی یاغی گسیل داشت، تا سرانجام تصمیم گرفت خود در رأس سپاه با وی بجنگد. ساخت استحکاماتی چون قلعه دختر را می‌بایست با توجه به اوضاع تاریخی و برخورد با مهاجم زورمند تفسیر کرد. قلعه دختر از استحکام یک کاخ شکوهمند سلطنتی با استحکامات دفاعی برخوردار است که از نظر سوق‌الجیشی چنان در حد کمال است که نظیر آن در سرتاسر تاریخ معماری به دشواری یافت می‌گردد (Huff, 1977: 32). احتمالاً اردشیر قبل از ساخت شهر اردشیر خوره، اقدام به ساخت قلعه دختر به صورت یک قلعه و دژ تدافعی نموده که عظمت این دژ سبب خشم شاه اشکانی شده است. در واقع، قلعه دختر نشان طغیان اردشیر و از سوی دیگر موجب خشم اردوان است. اردشیر پس از فراغت از جنگ‌های کوچک محلی و به عبارتی جنگ و گریز با اردوان در این کاخ آسود تا سپاهیان را در جنگی نهایی در این دژ صعب‌العبور ساماندهی نماید و با سرداران جنگی خود نقشه‌ای دیگر برای نابودی حکومت پارتیان پی افکند.

بر چکاد کوهی در دره تنگاب فیروزآباد و در فاصله سه کیلومتری از کاخ اردشیر، «قلعه دختر» قرار دارد که در سه اشکوب بنا گردیده است (شکل ۱). در جهات مختلف دژ، چشم‌انداز زیبایی است که نگهبانان با اشراف بر آن می‌توانستند

شهر مدائن محسوب می‌گردید. حمزه اصفهانی در رابطه با به‌اردشیر می‌نویسد: «به‌اردشیر نام دو شهر است، یکی به عراق و دیگری به کرمان، نخستین، یکی از شهرهای هفت‌گانه مدائن و به مغرب دجله است، و به عربی (بهرسیر) خوانند، اما «به‌اردشیر» کرمان را به عربی بردشیر (بردسیر) گفتند» (اصفهانی، ۱۳۴۶: ۴۵).

چنانکه ملاحظه گردید، اردشیر پاپکان علی‌رغم جنگ‌های پیاپی با حکومت اشکانی و سرکوب حکومت‌های محلی و تلاش بی‌وقفه برای تشکیل یک کشور مستقل ایرانی، ساخت شهرهای جدید را در اولویت کاری خود قرار داد و موفق گردید شهرهای بی‌شماری تأسیس کند. اما تمام این شهرها از اهمیت یکسانی برخوردار نبودند. مهم‌ترین و بزرگ‌ترین شهری که اردشیر در ابتدای حکومت خود مبادرت به ساخت آن نمود، اردشیر خوره (شهر گور) نام داشت که تختگاه اردشیر پاپکان بود. گرچه این شهر اهمیت سیاسی خود را در زمان شاپور اول، پسر و جانشین اردشیر از دست داد، اما تا پایان حکومت ساسانیان و حتی پس از آن نیز نقش کلیدی خود را به عنوان یک شهر آیینی و سنتی کماکان حفظ کرد و چه بسا ولیعهدانی که با مراسم پرشکوه و آداب دینی ایرانیان در آن تاج بر سر گذاشتند.

جورجینا هرمان معتقد است که اردشیر قبل از غلبه بر اردوان پنجم دستور ساخت شهر تازه و ساختمان کاخ‌های خود را در اردشیر خوره (شکوه اردشیر) و قلعه دختر بر چکاد تنگاب صادر کرده است (هرمان، ۱۳۷۴: ۹۳) تا ضمن انسجام و استحکام ارتش و پایه‌های قدرت خود از گرفتار شدن در دام ارتش توانمند اردوان برهد و از سوی دیگر ظهور و موجودیت شاهی خود را اعلام کند. قلعه دختر با موقعیت سوق‌الجیشی خاصی که در ناحیه فارس داشت، می‌توانست به اهداف بلندپروازانه اردشیر جامه عمل بپوشاند.

اردشیر پس از پیروزی بر اردوان پنجم که چندان هم آسان نبود، نیازمند شهری بزرگ و باشکوه بود که علاوه بر تأمین نیازمندی‌های یک حکومت نویناد و مقتدر، در خور شاهی بزرگ و آبرومند چون اردشیر باشد. بنابر این وی پس از بدست گرفتن قدرت و استحکام پایه‌های حکومتی خود دستور ساخت

ولی در کاربرد آن تغییراتی بوجود آورد. او فرمان داد که ایوان را به مقیاسی بزرگتر و با طاق گهواره‌ای فراختری بسازند و آن را همچون سرای بیرونی برای ورود به تالار بارعام به کار گیرند. اما اتاق شاهی که جنبه نوبنیادی برای پذیرایی از بازدیدکنندگان داشت، به شکل چهار گوش بود و به جای طاق گهواره‌ای از سقفی گنبدی در پوشش آن استفاده کردند (هرمان، ۱۳۷۴: ۶۲). بخش اصلی کاخ خود شاهکاری از جسارت فنی است و از نظر روانی بنای خوب و حساب شده‌ای را ارائه می‌دهد. تالار شاهی با اتاق‌های جانبی به صورت قلعه‌ای عظیم و مدور بر فراز بلندترین نقطه کوه و در داخل خط دفاعی قلعه قرار گرفته است. به گونه‌ای که برای هر کس که از تنگه به سوی شهر می‌رود، منظره‌ای پرهیبت یا تحسین‌آمیز دارد.

اردشیرخوره

گور (جور)، که جزء کوره اردشیرخوره محسوب می‌گردد، نخستین شهر ساسانی است که مطابق برخی نوشته‌های مورخین اسلامی پیش از غلبه اردشیر بر اردوان پنجم و در آن زمان که آرزوی حکومت بر ایران را در سر می‌پرورانید، بنا گردیده است. اصطخری سیمای این شهر و چگونگی احداث آن را چنین بیان کرده است: «جور را اردشیر بنا کردست. گویند دریاچه بود. چون اردشیر دشمنی را در آنجا قهر کرد خواست که شهری بنا کند. پس بفرمود تا آب راه‌ها ساختند. چنان که به شیب‌ها برون شد و این شهر را بنا کرد. دیواری از گل دارد و چها دروازه بر اوست: یکی را «باب مهر» گویند سوی مشرق، و یکی سوی مغرب است «دروازه بهرام» و بر دست راست «دروازه اردشیر» و بر دست چپ «دروازه هرمز». در میان شهر نمایی است چون دکانی، آن را طربال گویند و آن را در پارسی ایوان و کیاخوره خوانند. اردشیر ساخته بود و بر همه روستاها و ناحیه از آنجا دیدار افتد. و در برابر آن از کوه آبی برون آوردست. آب هم چون فواره به طربال برآید و در مجرای دیگر فرو شود و از گچ و سنگ ساخته بود. اکنون ویران شدست. و در شهر آب‌های روان بسیارست. به هر دروازه مقدار یک فرسنگ بوستان و تماشاگاه باشد» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۱-۱۱۰).

شهر از یک دیوار پشتیبان، خندقی به عرض تقریبی ۵۵ متر و

حرکت هر جنبه‌ای را زیر نظر داشته باشند و با نیرویی اندک، ارتشی توانمند را از پا در آورند. این دژ یک فلات کوهستانی را اشغال می‌کرد که از سه طرف به وسیله تنگه احاطه می‌گردید و مساحت آن بیش از نیم کیلومتر مربع را دربر می‌گرفت؛ چنان که به راحتی می‌توانست یک لشکر را در خود جای دهد.

کاخ قلعه دختر یک منطقه بارودار رفیع است که منبع مستقل آب آن دو حلقه چاه بود که از داخل دژ به سطح کف رودخانه که در امتداد جاده زیر دست قلعه جریان داشت، زده شده بود. بدین وسیله تأمین آب که می‌توانست مشکل اصلی آنان باشد، حل شده بود. دیوار قلعه به عنوان کمر بند دفاعی دژ اصلی، دارای باروهای دفاعی پیش آمده است و ارتفاعی حدود شش یا هفت متر داشته است. کنگره‌های دفاعی قلعه در دو یا چند ردیف مرتب و متداخل و پله‌هایی به ضخامت ۵۰ سانتی‌متر داشته که احتمالاً در آن مزغل‌هایی تعبیه شده بود. پس از عبور از دروازه، به ورودی کاخ می‌رسیم که بر فراز صخره‌ای در بالاترین نقطه کوه قرار دارد و شامل سه بخش است که در سه سطح متفاوت ساخته شده است. داخل سرسرای ورودی، آخرین کاوش‌ها به سرپرستی هوف فضای کاخ را که احتمالاً جهت سربازان و آب انبار پیش بینی شده بود، نشان می‌دهد. در یک سوی این تالار، ورودی باریک و دراز آن به پله‌کانی ختم می‌شود که به فضای فوقانی کاخ راه می‌یابد (Huff, 1977: 32). دومین سطح کاخ، حیاط مربع شکلی را در بر می‌گیرد که پس از بالا رفتن از پله‌کان می‌توان به آن رسید. در سه سمت حیاط تالارهای چهار گوش با طاق‌های ضربی قرار گرفته‌اند و در طرف چهارم، پلکانی به تراس فوقانی که روی آن بنای اصلی کاخ واقع شده، منتهی می‌گردد (هرمان، ۱۳۷۴: ۹۳). بعد از حیاط میانی، به مهم‌ترین و اصلی‌ترین بخش کاخ یعنی بنای شاهی می‌رسیم که در بالاترین سطح این بلندا قرار دارد که عبارت از یک ایوان بزرگ با سقف هلالی است که در پشت آن اتاق مربع شکلی با گنبدی عظیم واقع شده است (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۷۳: ۲ و ۳).

در رابطه با ایوان هرمان عقیده دارد که اردشیر با بهره‌گیری از ایوان به طاق گهواره‌ای ادامه داده است که مشخص‌ترین عنصر شکوهمند در معماری دوره پارتی متأخر به شمار می‌آید.

۱۱۳). فردوسی در شاهنامه ابیاتی چند از شهر گور دارد که با تطبیق ابیات وی با نوشته‌های جغرافیانگاران می‌توان به نتایج مفیدی از شهر گور دست یافت:

یکی چشمه بُد بی کران اندر او ی فراوان از رود بگشاد و جوی
بر آورد از آن چشمه آتشکده بدو تازه شد مهر و جشن سده
به گرد اندرش باغ و میدان و کاخ بر آورده شد جایگاه فراخ
چو شد شاه با دانش و فر و زور همی خواندش مرزبان شهر گور
(فردوسی، ۱۳۸۷: ۸۶۵).

بی‌گمان فردوسی در این اشعار به چشمه‌ای اشاره دارد که آب فراوان آن داخل شهر گور و سپس وارد آتشکده‌ای می‌گردید که در پیرامون آن کاخ، میدان و باغ قرار داشت. در این جا لفظ آتشکده به معنای عام آن معبد است. همچنان که منابع تاریخی، ساسان جد اردشیر را نگهبان آتشکده ناهید در شهر استخر معرفی کرده‌اند. در حالی که می‌دانیم ناهید فرشته آب است و باید در معبد وی آب جریان داشته باشد؛ همچنان که در معبد بیشاپور آب جریان داشت.

اسکار رویتر این بنا را با زیگورات‌های بین‌النهرین مقایسه کرده و اعتقاد دارد که در مناسبت‌های مخصوص، آتش مقدس را که در معبد نگهداری می‌شد، بر روی این برج و در فضای باز بر می‌افروختند (Reuther, 1931: 561). لویی واندنبرگ در مورد عملکرد بنا می‌نویسد: «در آن بالا، در هوای آزاد، آتش مقدس را روشن می‌کردند و پرستندگان گرداگرد مناره حضور می‌یافتند» (واندنبرگ، ۱۳۶۸: ۵۰). هوف اعتقاد دارد که این بنا به احتمال زیاد باید مظهری از شاه - خدایی اردشیر باشد. وی همچنین اشاره می‌کند که این اثر عجیب و منحصر به فرد به عنوان مقر سمبولیک شاه در مرکز حکومتی وی قرار داشته، که کنایه‌ای برای قرار دادن قانون اهورامزدا در مرکز دنیا است. وی همچنین اضافه می‌کند که این برج می‌بایستی کاربرد عملی داشته باشد، به طوری که در هنگام طراحی شهر به عنوان نقطه مرکزی برای ایجاد یک شهر دایره‌ای شکل و بعداً به عنوان برج مراقبت از قلعه دختر در کوهستان شمال غربی شهر به کار برده شده است (هوف، ۱۳۶۵: ۷۹). در بیان عملکرد این بنا نوشته‌های فرصت‌الدوله شیرازی که در عهد قاجاری می‌زیسته و از این بنا خود شخصاً دیدار نموده است؛ خالی از لطف نیست. «جناب

یک حصار خشتی با چهار دروازه اصلی منظم در چهار محور تشکیل شده است (Huff, 1969: 391). قسمت داخلی شهر که قطر آن نزدیک به دو کیلومتر است، مانند چرخ پره‌داری با دو محور اصلی از دروازه شمالی به جنوبی و دروازه غربی به دروازه شرقی به چهار پاره مساوی تقسیم گردیده که در نقطه مرکزی شهر همدیگر را قطع می‌کنند. سپس هر یک از چهار پاره به پنج بخش بزرگ و مشابه تقسیم شده است. علاوه بر این، فضای داخلی شهر با سه دایره متحدالمرکز به چهار گرده بخش شده است. چنان که قطر گرده مرکزی به ۴۵۰ متر می‌رسد. بسیاری از خیابان‌های مدور و متحدالمرکز ارتباط غیر مستقیم منطقه مرکزی را با مناطق مسکونی، محل کار و تجارت به وجود می‌آورند (شکل ۲).

منار (طربال): در مرکز شهر برجی عظیم و چهار گوش قرار دارد که بنا به گفته ابن حوقل آن را طربال می‌گفتند (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۲۸۷). ابن بلخی در توصیف آن نوشته است: «و در میان شهر که مثل نقطه پرگار باشد ده‌ای انباشته بر آورده است و نام آن ایران گرده و عرب آن را طربال گویند و بر سر آن دکه سای‌ها ساخته و در میانگاه آن گنبدی عظیم بر آورده و آن را گنبد گیرمان گویند و طول چهار دیوار این گنبد تا زیر قبه آن ۷۵ گز است و این دیوارها از سنگ خارا بر آورده است و پس قبه عظیم از آجر بر سر آن نهاده و آب از یک فرسنگ از سر کوه رانده و فواره بر سر این سربالا آورده» (ابن بلخی، ۱۳۲۹: ۱۳۸). این بنا از سنگ‌های تراشیده و آهک و گچ ساخته شده بود و در طرفین آن آثار پله‌کان طاق‌داری، که به صورت مارپیچ تا بالای برج ادامه داشته، هویدا است (واندنبرگ، ۱۳۶۸: ۵۰). قطر بخش تحتانی آن بیش از بخش فوقانی است و طول هر ضلع این بنا در شرایط کنونی حدود نه متر و ارتفاع آن ۳۰ متر است (هوف، ۱۳۶۵: ۷۹).

در مورد عملکرد بنای مذکور نظرات مختلفی ارائه شده است. چنانکه اوژن فلاندن، بنا به گفته اهالی محل، آنجا را آتشگاه می‌نامد (فلاندن، ۱۳۵۶: ۳۸۷). اصطخری که از آن به عنوان ایوان و کیاخوره یاد نموده است، یادآور می‌شود که «در برابر آن از کوه آبی برون آوردست. آب همچون فواره به طربال برآید و در مجرای دیگر فرو شود» (اصطخری، ۱۳۴۰: ۱۱۱ -

پسرش در شهر بیشاپور انجام داد و برای ناهید شکل دیگری از معبد بر پا داشت که البته این به خاطر نوع جریان آب در بیشاپور بود. به عبارت دیگر با توجه به این که قبل از اردشیر، شهر استخر (احتمالاً در کنار رود پلوار) دارای معبد آب بود و پس از وی شهر بیشاپور نیز معبد آب داشت، اردشیر خوره هم معبد آب داشته است.

تخت نشین: در بخش مرکزی این شهر دایره‌وار و در ۱۰۰ متری شمال شرقی مناره، ویرانه‌ای از یک ساختمان مربع شکل با سنگ تراشدار قرار دارد که به تخت نشین معروف است. نقشه فضای داخلی آن عبارت از یک گنبد بر فراز بنایی مربع شکل است که در هر چهار طرف طاقچه‌هایی دارد.

فرصت‌الدوله نیز که از بنا دیدن نموده، اشاره به وجود عمارت مربعی می‌کند که بر روی چهارپایه عظیم آن سقفی استوار بوده است. در نزدیکی این عمارت حوضی قرار داشته که بدنه حوض را با ساروج ساخته بودند (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۱۳). فلاندن در بازدید از آثار اردشیرخوره و محل تخت نشین، بنا را از نظر سبک معماری متعلق به عصر هخامنشی دانسته است. وی بر اساس کشف یک ستون سنگی سیاه و سبک معماری آن که در نزدیکی امامزاده جعفر از توابع تخت‌نشین قرار داشته، این نظر را ابراز داشته است (فلاندن، ۱۳۵۶). فلاندن همچنین در مورد عملکرد این بنا اشاره می‌کند که بنای فوق شایستگی قصری بزرگ را ندارد و جز مقبره و آتشکده نمی‌تواند بنای دیگری باشد. فلاندن با مقایسه این بنا با بنای قبر مادر سلیمان (قبر کوروش)، نتیجه می‌گیرد که بنای مزبور نیز باید مانند قبر کوروش مقبره چند تن از سلاطین باشد (فلاندن، ۱۳۵۶). لوئی واندنبرگ این بنا را یک چهارطاقی دانسته که بر روی صفه‌ای برپا شده بود و آتش مقدس را در آن روشن می‌کردند و فقط روحانیون حق نزدیک شدن به آن را داشتند (واندنبرگ، ۱۳۶۸: ۵۲). هوف ضمن توصیف این بنا آن را به عنوان یک آتشکده معرفی می‌کند و می‌نویسد: «بنای مکعب شکل چهارگوشی شامل یک اتاق مرکزی و دهانه‌هایی در هر سوی آن است و این از ویژگی‌های بناهای ساسانی است که می‌باید آن را، گنبدی بر روی اتاق مرکزی و طاق آهنگ بر روی دهانه‌ها تصور نمود. در خارج از این بنای مکعب شکل،

حاجی ملا محمد معروف به حاجی آخوند که در فیروزآباد شیخ‌الاسلام و به قضاوت مشغول است مذکور داشت که چند سال قبل شخصی را به مشقت بسیار بالای منار نمودیم. بر سر آن سوراخی دیده بود. ریسمانی را که آلت ثقیلی بر آن بسته بود در آن سوراخ فرو برده چند ذرعی ریسمان پایین می‌رود. معلوم می‌گردد که میان منار تهی است. بعضی مسطور داشته‌اند که در آن بلندی عمارتی بوده و حوضی داشته، آبی از یک فرسنگی بدان بالا آورده‌اند که منبع آب در کوه بوده و ممر آن آب را یافته‌اند» (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۱۴-۱۱۳) (شکل ۳).

کلیه مستندات تاریخی افرادی مانند اصطخری، ابن بلخی، ابن حوقل، فردوسی و فرصت‌الدوله شیرازی گویای آن است که آب را از یک فرسنگی کوه مقابل شهر گور که چشمه آن در سطحی بسیار بالاتر از سطح منار مرکزی شهر قرار داشت؛ احتمالاً توسط لوله‌های سفالی (تنبوشه) به شهر انتقال داده و سپس آن را از میانه تهی طربال به سطح آن منتقل می‌کردند. در سطح منار (طربال/ایران گرده/ایوان/کیاخوره) حوضچه‌ای (سای؟) قرار داشت که آب در آن همچون فواره تخلیه می‌شد و سپس توسط لوله‌های سفالی دیگری فرود می‌آمد و پس از تخلیه در حوض‌های ساروجی اطراف طربال، در میان نهرهای شهر پخش می‌گردید. بر روی حوضچه فوقانی منار، گنبدی قرار داشت که به گنبد گیرمان معروف بود. متأسفانه هوف گنبد گیرمان را با تخت نشین اشتباه گرفته و می‌نویسد «می‌توانیم تشخیص دهیم که تخت نشین همان گنبد گیرمان یا گیرمان ابن بلخی است» (هوف، ۱۳۶۵). با توجه به این که واژه طربال در زبان عربی به معنای مناره بلند و عبادتگاه است؛ نمی‌توان این مکان را صرفاً آب انبار شهر نامید. زیرا علاوه بر عملکرد فوق، محلی برای ستایش ناهید، فرشته آب نیز به‌شمار می‌رفت. ساخت بنایی با چنین عملکردی در زمان اردشیر اول چندان دور از انتظار نیست. زیرا وی در خانواده‌ای ولادت یافت که بر اساس متون تاریخی و پهلوی ساسانی پدران وی تولیت معبد آناهیتا را در شهر استخر عهده‌دار بودند. بنابر این طبیعی است که اردشیر پس از به شاهی رسیدن برای بزرگداشت و ارجمندی اردویسور آناهیتا، ایزد بانوی محبوب آب، نیایشگاهی رفیع و شکیل با جریان آب برای وی بسازد. همان کاری که پس از وی شاپور،

کاخ فیروزآباد

در شمال شهر مدور گور، کاخ بزرگی در کنار چشمه پرآب و در مجاورت تنگاب قرار دارد. طول این بنا ۱۰۴ متر و عرض آن ۵۵ متر است. دیوارهای کاخ از قلوه سنگ و ملاط ساروج ساخته شده و ضخامت دیوارهای آن چهار متر است. یکنواختی دیوارهای بیرونی به وسیله دو ردیف طاقنما شکسته شده بود. شکل اساسی این بنا به صورت یک ایوان بلند با سه تالار گنبددار بوده که آن را به صورت یک تالار ورودی در آورده است (پرادا، ۱۳۵۵: ۸۱-۲۸۰). در ادامه ثبات و تحکیم حکومت ساسانی باید به این کاخ عظیم و باشکوه اشاره کنیم. این بنا را با نام‌های آتشگاه فیروزآباد و کاخ اردشیر نیز معرفی کرده‌اند.

چشمه، باغ و کاخ فیروزآباد مجموعه واحدی را تشکیل می‌دادند. هوف عقیده دارد که اردشیر بعد از شکست اردوان پنجم، شاه اشکانی، بنای کاخ را برپا می‌کند. چنان که بعد از پیروزی بر پادشاه پارتی خود را شاه خواند. اما پس از پیروزی دیگر خطری اقامتگاه او در فیروزآباد را تهدید نمی‌کرد. پس احتمالاً کاخ کوهستانی قلعه دختر که صعب‌العبور بود و پذیرایی از مهمانان در آن دشوار بود، به عنوان محل اقامتگاه رها شد و جای خود را به کاخی بزرگ داد که در کنار برکه‌ای باصفا قرار داشت (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۷۳: ۳۹۶). کاخ فیروزآباد که در اصطلاح محلی به کاخ ساسان معروف است، گاهی به غلط آتشکده خوانده شده و برخی بر این گمانند که این مکان آتشکده بوده است (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۷۳: ۳۹۶). چنانکه فرصت‌الدوله شیرازی نیز از آن به عنوان آتشکده یاد کرده است (فرصت‌الدوله شیرازی، ۱۳۶۲: ۱۱۵). پیرنیا نیز عقیده دارد که لازمه کاخ بودن بنای فوق، داشتن تأسیساتی است که بنای فیروزآباد فاقد آن است (پیرنیا، ۱۳۶۹: ۹۵).

ساختمان کاخ فیروزآباد از دو بخش مساوی تشکیل گردیده که یک بخش شامل پذیرایی و بخش دیگر بناهای مسکونی را در بر می‌گیرد (گذار، ۱۳۵۸: ۲۵۳). بخش شمالی بنا که بر بلندی واقع شده، بخش اداری یا عمومی مجموعه بوده است. در هر یک از دو سوی ایوان بزرگ که سرسرای ورودی کاخ را تشکیل می‌دهد، یک جفت اتاق راست گوشه دراز قرار گرفته است. در فراسوی این واحد به جنوب، سه اتاق

چهار قسمت مکعب شکل الحاقی اضافه گردیده که شامل اتاق‌ها، ایوان‌ها و پیش‌خوانهایی است. وی تخت نشین را همان گنبد گیرمان ابن بلخی می‌داند» (هوف، ۱۳۶۵). سرفراز و فیروزمندی اعتقاد دارند که طربال فیروزآباد را که به تخت‌نشین معروف است، نمی‌توان به صرف داشتن طرح چلیپایی شکل آن و از سویی با در نظر گرفتن ایدئولوژی مذهبی که در اوایل دوره ساسانیان رواج داشت و نیز با وجود منار رفیع و چشم‌گیر فیروزآباد آتشگاه دانست، در صورتی که به استناد نوشته‌هایی که از گذشته‌های دور تا کنون به ما رسیده است، این مکان را از صدر اسلام تا کنون با نام طربال یا تخت‌نشین، یعنی کاخ اختصاصی اردشیر معرفی کرده‌اند. ویژگی‌های معماری و مصالح ساختمانی بنا نیز موید آن است که این بنا یک محل اشرافی و تشریفاتی بوده است، نه یک بنای مذهبی (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۷۳: ۳۹۴). در این جا ذکر این نکته ضروری است که واژه طربال در متون فقط در مورد منار مرکزی شهر گور که از آن با نام‌های مختلفی چون ایران‌گرده، ایوان و کیاخوره یاد شده، به کار رفته است. از این رو مترادف دانستن آن با تخت‌نشین، کاربرد و عملکرد تخت‌نشین را همانند گنبد گیرمان که به تخت‌نشین نسبت داده شده است؛ دگرگون می‌سازد.

علاوه بر این دو بنا که به نظر می‌رسد تنها ابنیه سنگی ساسانی شهر باشند، در محدوده داخلی شهر گور تعدادی خرابه به صورت تپه دیده می‌شوند که می‌بایستی به خاطر موقعیتشان بر روی و یا در کنار محورهای اصلی تأسیسات شهری قرار داشته باشند. بدین ترتیب می‌توان تصور کرد که در داخل دایره مرکزی شهر فقط ابنیه مذهبی، اداری، تشریفاتی و دولتی قرار داشته‌اند. در حالی که در دوایر خارجی و بزرگتر شهر ابنیه ساکنان شهر قرار داشته است. نقشه دایره‌ای شکل اردشیرخوره به صور گوناگون از فرهنگ معماری پارتی اقتباس گردیده که تا آغاز دوره ساسانیان کماکان ادامه داشته است. به عنوان نمونه می‌توان از شهرهایی مثل هاترا و دارابگرد نام برد. اردشیر با طرح نقشه دایره‌ای شکل این شهر می‌خواست یک مدل سمبلیک برای بلند پروازی‌های سیاسی و زیباشناسی کشور خود ابداع کند (کیانی، ۱۳۶۶: ۱۸۰).

(۵۶۱). طاق، گنبد و ستون‌های چهارگوش بنا همه از سنگ ساخته شده‌اند (سامی، ۱۳۴۲: ۱۸۰). این فن معماری با استفاده از سنگ‌های تراشیده که با ساروج به هم پیوسته‌اند، دارای ریشه و اصل محلی است و تا امروز در این سرزمین حفظ شده است.

پروآیند

اردشیر پاپکان، مؤسس سلسله ساسانی برای انسجام و توانبخشی نیروهای تحت امر خود و نیز پیشبرد اهداف بلندپروازانه سیاسی احتیاج به مکانی امن و سوق‌الجیشی داشت تا ضمن اعلام استقلال بتواند سپاه جنگی کوچک خود را در مقابل ارتش توانمند و عظیم اردوان پنجم ساماندهی و محافظت نماید. از این رو، دارابگرد و استخر را رها و تنگه فیروزآباد را که دسترسی دشمن به آن بسیار دشوار بود، برگزید. جایی که یک نیروی نظامی کوچک و کارآمد می‌توانست مدت‌های مدیدی در مقابل یک دشمن مسلح و قوی پایداری کند. در این ایام اردشیر دستور داد تا دژی مستحکم با برج و باروهای استوار بر قله رفیع تنگاب بسازند. آثار این دژ که به قلعه دختر مشهور است با گذشت زمان همچنان پابرجاست.

پس از فروپاشی حکومت پارتیان، اردشیر با فراغ بال دستور داد تا شهری باشکوه که دارای پلانی مدور به سبک شهرهای پارتی بود، در دشت حاصلخیز اردشیر خوره و در مجاورت دژ مستحکم تنگاب بنا کنند. شهر در محلی قرار داشت که پوشیده از آب بود. گفته می‌شود که اسکندر مقدونی برای از بین بردن شهری که از دوره کیانیان در این محل قرار داشت، آب کوه‌های اطراف را از طریق انهار و بستن سد به آنجا هدایت کرده بود. اردشیر برای نشان دادن میزان دشمنی خود با بیگانگان، اتصال حکومت خود به کیانیان و از سویی نمایش قدرت خود در شهرسازی و آبادانی ایران دستور داد تا آب محل را تخلیه و سپس در آنجا شهری بزرگ بنا کنند. طرح مدور شهر، شبکه‌بندی، تأسیسات و بناهای مختلف شهری، جایگاه خاص و چگونگی هر یک از بناها متأثر از اندیشه‌های مذهبی و نظامی اردشیر و نیز نشان از جاه‌طلبی و نمایش قدرت او دارد که بر اساس آن یک سیستم اجتماعی جدید متولد گردید.

از شاخص‌ترین عناصر معماری در این شهر نوین می‌توان

چهارگوش بزرگ که شامل تالار یا تخت‌گاه و اتاق خادمان است، قرار دارد. ایوان و اتاق‌های جانبی را طاق‌های گهواره‌ای و اتاق‌های چهارگوش را گنبدهایی که بر گوشواره‌های درونی استوار است، می‌پوشاند. هم‌اتاق‌های گهواره‌ای پوش و هم‌گنبدها بر دیوارهای قطور نهاده شده‌اند (شفرد، ۱۳۷۶: ۶۱-۵۶۰).

در رابطه با عملکرد این ایوان رویتر عقیده دارد که نقش ایوان در اینجا با ایوان‌های پارتی متفاوت است. در کاخ اردشیر، عملکرد آن به عنوان یک تالار ورودی یا اتاق انتظار است که در مراسم رسمی (تشریفاتی) به کار گرفته می‌شد و اتاق‌های گنبددار منتهی به آن ظاهراً مکانی بود که از میهمانان خود در آنجا پذیرایی می‌کردند (Reuther, 1931: 555). هوف عقیده دارد ایوان که راه ورود به حضور شاه را ترسیم می‌کرد، فضایی پیچیده و باشکوه بود که گمان می‌رود محل جلوس شاه در برابر حاضرین بوده باشد که از مقابل با تالارها و از پهلو با ایوان‌های الحاقی و مجموعه‌ای از فضاهای نامفهوم گسترش یافته بود (Huff, 1977: 34).

اهمیت این کاخ در معماری و باستان‌شناسی علاوه بر شکوه، عظمت و زیبایی به خاطر گنبد رفیع آن است. در ارتفاع چند متری از قاعده گنبد که بر روی دیوارهای ضخیم بنیاد گردیده، هنوز برش افقی آن شکل مدور ندارد. احتمالاً معمار بنا برای جلوگیری از رانش گنبد کوشیده است پایه را از صورت دایره به بیضی متمایل سازد و در انتقال از مربع به دایره برای گنبدسازی از فیلپوش استفاده کرده است. تنها نوری که می‌توانست به درون مجموعه راه یابد، جدا از نوری که از ایوان به درون می‌تابید، از چهار پنجره کوچکی که در ناحیه سه کنج طاقبند کنار هم قرار داشت، صورت می‌گرفت (پرادا، ۱۳۵۵: ۲۸۱). برای ساخت این بنای عظیم، مهندسین اردشیر، مناسب‌ترین مصالح را انتخاب کردند و آن مخلوط لاشه سنگ با ملاطی از گچ زنده بود. با این حال، دیوارهای کاخ گرچه در مدت زمان کوتاهی با لاشه سنگ ساخته شدند و سطح‌شان زبر و زمخت از کار در آمد، اما نیاز به روکش با ماده‌ای دیگر داشت (هرمان، ۱۳۷۴: ۶۲). در نتیجه برای پنهان کردن حالت خشک و خشن نمای ساختمان، معمار آن را از درون و بیرون با گچ اندود نمود (شفرد، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶).

(چلیپایی) در مجاورت معبد ساخته شد که این شیوه (ساخت کاخ و معبد در مرکز شهر و در جوار یکدیگر) سرمنشاء شهرسازی در تمام طول دوره ساسانی و نیز اسلامی گردید. در این کاخ، قدرت شاهی اردشیر به اوج تبلور خود رسید.

با آرام گرفتن ایرانشهر و استقرار کامل دولت ساسانی، اردشیر این فرصت را یافت تا بعد از جنگ‌های پی در پی و خستگی‌های طاقت‌فرسا از سلطنت کناره‌گیری نماید و پسر خود، شاپور اول را بر کرسی سلطنت بنشانند. پس از این رویداد تاریخی، اردشیر با اشرافیتی که از قدرت و ثروت بدست آورده بود، محل زندگی خود را از کاخ سلطنتی شهر گور و مسائل حکومتی جدا نمود تا بدین طریق در روزهای پایانی عمر در کنار چشمه جوشان آناهیتا که فره پادشاهی را به وی بخشیده و در آنجا به این مناسبت کاخی با شکوه ساخته بود، به نیایش پردازد و با یاد روزهای دشوار اما توأم با پیروزی‌های بزرگ، باقی عمر را در آرامش سپری کند.

به یک مرکز آیینی و یک کاخ سلطنتی اشاره نمود که در مرکز شهر و در مجاورت یکدیگر قرار داشتند. سیستمی که بعد از آن نیز ادامه پیدا کرد و در دوره اسلامی به اوج شکوفایی خود رسید.

اردشیر که مقام روحانیت را از پدران خود به ارث برده بود، با بدست آوردن قدرت شاهی، دو حلقه دین و دنیا را به هم پیوند داد و با احداث مناری رفیع در مرکز شهر اردشیر خوره که یادآور خونیرس (ایرانویج) در مرکز عالم است و با کشیدن آب بر بلندای آن، راه پدران روحانی خود را در نیایش از آناهیتا، فرشته آب در شکلی جدید و با شکوه ادامه داد و معبد بزرگ آناهیتا (طربال) را در مجاورت کاخ سلطنتی خود (تخت نشین) بنیاد نهاد. چنان که پس از وی نیز شاپور اول، پسر و جانشین او معبد آناهیتا را به شکلی دیگر در بیشاپور و در کنار قصر خود برپا داشت. کاخ عظیم اردشیر با شکلی جدید

منابع

الف) فارسی

دینوری، ابوحنیفه، ۱۳۴۶، *اخبار الطوال*، ترجمه صادق نشأت، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ابن بلخی، ۱۳۲۹، *فارسنامه*، به سعی و اهتمام گای لسترنج و رینولد آلن نیلکسون، تهران: انتشارات دارالفنون کمبریج.

سامی، علی، ۱۳۴۲، *تمدن ساسانی*، جلد دوم، شیراز: انتشارات موسوی.

ابن حوقل، محمد بن علی، ۱۳۴۵، *صورة الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

سرفراز، علی اکبر و بهمن فیروزمندی، ۱۳۷۳، *مجموعه دروس باستان‌شناسی و هنر ایران در دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی*، تدوین حسین محسنی و محمد جعفر سروقدی، تهران: نشر ققنوس.

اصفهان‌ی، حمزه، ۱۳۴۶، *تاریخ پیامبران و شاهان*، ترجمه جعفر شعار، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

شفرد، دوروتی، ۱۳۷۶، «هنر ساسانی»، در: *تاریخ ایران از سلوکیه تا فروپاشی در دولت ساسانی*، پژوهش دانشگاه کمبریج، جلد سوم، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.

اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، ۱۳۴۰، *مسالك وممالك*، ترجمه ایرج افشار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

پرادا، ادیت، ۱۳۵۵، *هنر ایران باستان*، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شاپور شهبازی، علیرضا، ۱۳۸۹، *تاریخ ساسانیان*، ترجمه بخش ساسانیان از کتاب *تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۶۹، *شیوه‌های معماری ایران*، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: موسسه نشر هنر اسلامی.

گذار، آندره، ۱۳۵۸، *هنر ایران*، ترجمه بهروز حبیبی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی، ۱۳۶۳، *تاریخ گردیزی*، به تصحیح و تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران: نشر دنیای کتاب.

گیرشمن، رومان، ۱۳۷۲، *ایران از آغاز تا اسلام* (چاپ دهم)، ترجمه محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

واندنبرگ، لوئی، ۱۳۶۸، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه عیسی بهنام، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

هرمان، جورجینا، ۱۳۷۴، «هنر ساسانیان»، در: *هنرهای ایران*، زیر نظر ر. دبلیو فریه، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: نشر فرزاد.

هوف، دیتربش، ۱۳۶۵، «شهرهای ساسانی»، ترجمه محمد رحیم صراف، در: *نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران*، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات ارشاد اسلامی.

هوف، دیتربش، ۱۳۶۸، «فیروزآباد»، ترجمه کرامت الله افسر، در: *شهرهای ایران* (جلد سوم)، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

ورجوند، پرویز، ۱۳۶۶، «شهرسازی و شهرنشینی در ایران»، در: *شهرهای ایران* (جلد چهارم)، به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

Huff, D., 1969/70, Zur Rekonstruktion des Turmes von Firiuzabad, *Istanbulur Mitteilungen*, Vol. 19/20, pp. 319-338.

———, 1977, Aspect Historie et Archeologiques, in: *Ghala Dokhtar, Atechkade*, Hugi, H., Ecolepolytechnique, Federal. Zurich, Avril, p. 34-45.

شیممان، کلاوس، ۱۳۸۳، *تاریخ شاهنشاهی ساسانی*، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.

طبری، محمد ابن جریر، ۱۳۶۲، *تاریخ طبری* (چاپ دوم)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.

فرصت‌الدوله شیرازی، سید محمد نصیر، ۱۳۶۲، *آثارالعجم*، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر فرهنگسرا.

فردوسی، ابوالقاسم، ۱۳۸۷، *شاهنامه*، به کوشش محمد رضانی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: کلاله خاور.

فلاندن، اوژن، ۱۳۵۶، *سفرنامه* (چاپ سوم)، ترجمه حسین نورصادقی، تهران: انتشارات اشراقی.

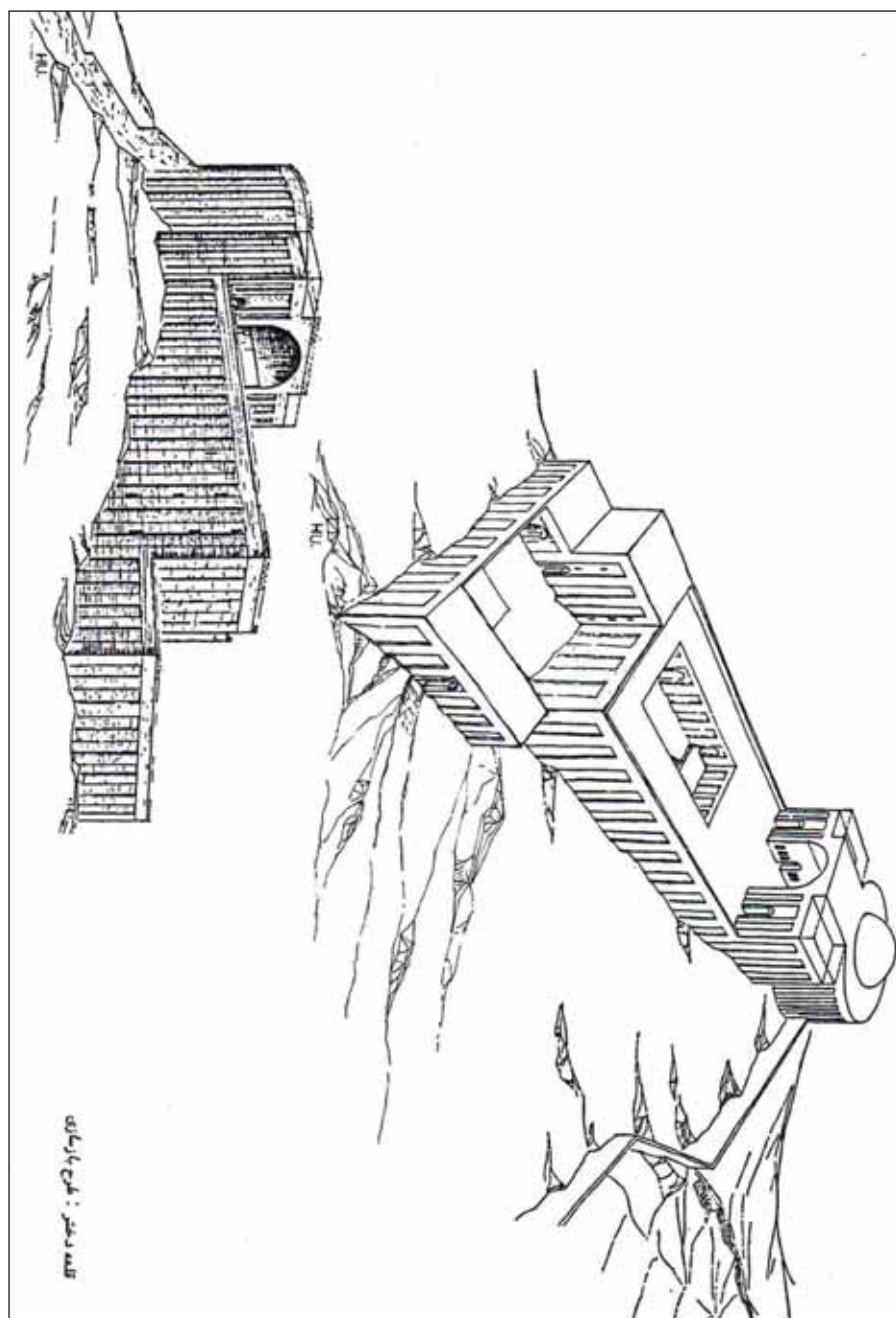
فروهوشی، بهرام، ۱۳۹۰، *کارنامه اردشیر بابکان* (چاپ پنجم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کریستین سن، آرتور، ۱۳۷۴، *وضع ملت و دولت و دربار در دوره شاهنشاهی ساسانیان* (جلد دوم)، ترجمه مجتبی مینوی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

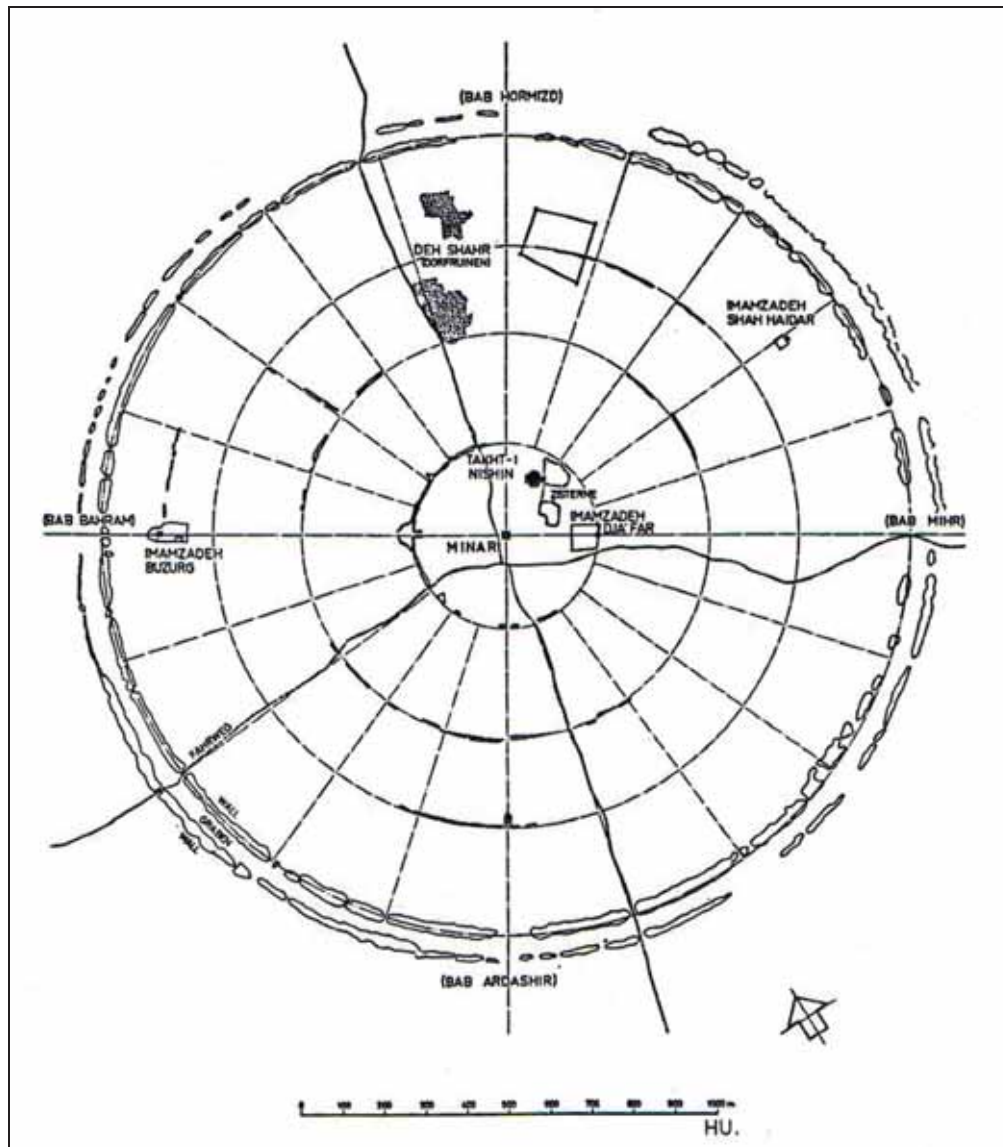
کیانی، محمد یوسف، ۱۳۶۶، *شهرهای ایران* (جلد دوم)، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

(ب) غیرفارسی

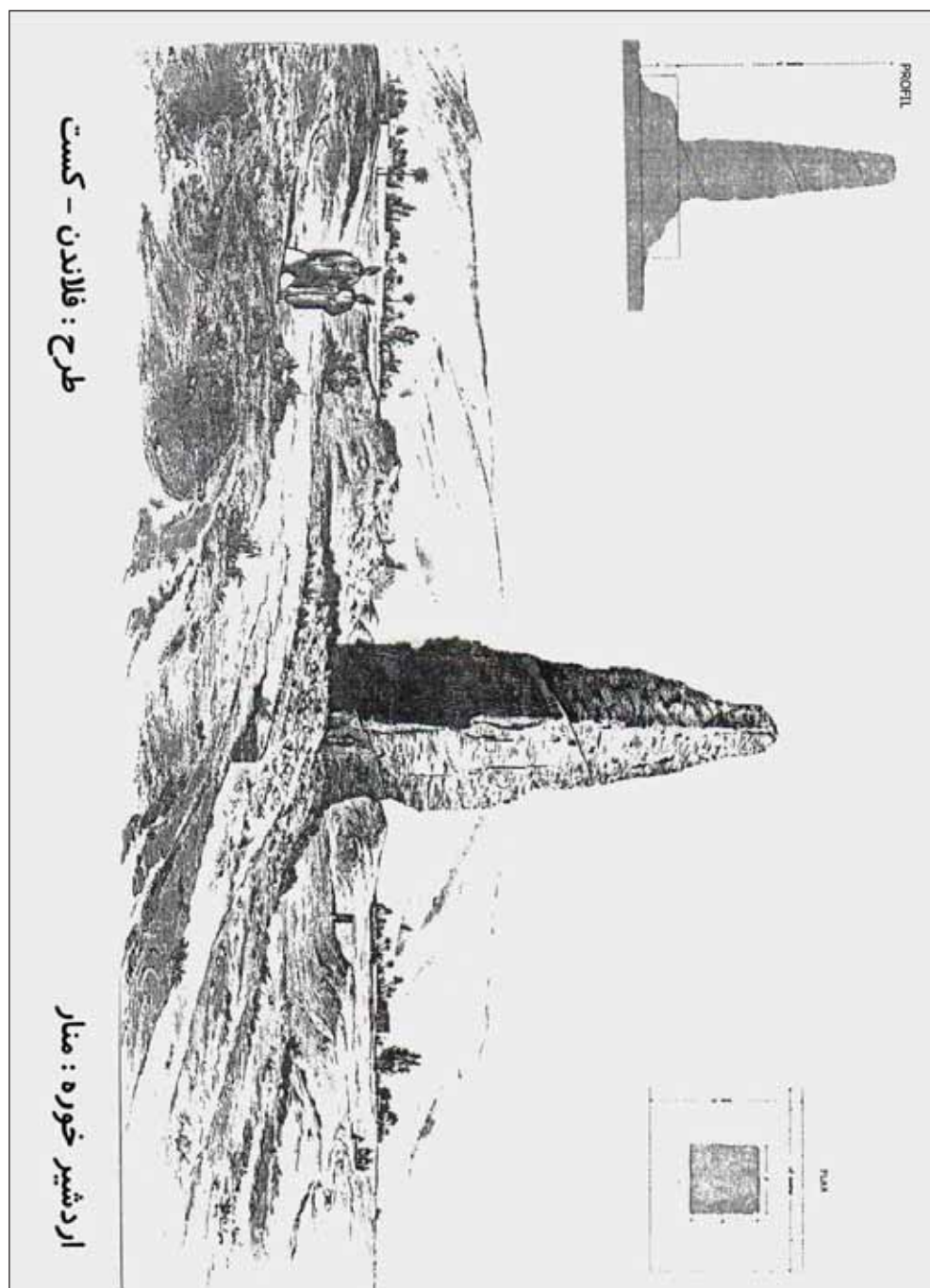
Reuther, O., 1969, Sasanian Architecture. In: *a Survey of Persian Art I*, Pope, A. U., (ed.), New York, pp. 493-587.



شکل ۱: قلعه دختر بر قله رفیع تنگاب (طرح از هوف، ۱۳۶۸).



شکل ۲: شهر مدور گور (طرح از هوف، ۱۳۶۸).



شکل ۳: منار (طربال) اردشیر خوره..